



## جلوهای از اصل مودت و رحمت

### در سیره خانوادگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

□ مصطفی دلشاد تهرانی  
□ عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث

#### چکیده

رفتارشناسی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خانواده و راه و رسم دیگر معصومان علیهم السلام در امتداد آن و اصولی که آنان بر اساسش در خانواده رفتار نموده‌اند، راهنمایی مفید و کلیدی در حوزه مباحث خانوادگی است که در استحکام بنیان خانواده، نقش بسزایی ایفا می‌کند.

در این نوشتار، تلاش شده است تا سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اوصیای اولاد علیهم السلام در زمینه مودت و رحمت به عنوان یک اصل کلی در محیط خانواده از منابع آن یعنی قرآن، سنت و منابع روایی و تاریخی اسلام استخراج گردد. کلید واژگان: قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله، مودت، رحمت، خانواده.

۷۱۱۲

#### واژه‌شناسی «سیره»

واژه «سیره» اسم مصدر از «سیر» است. «سین و یاء و راء» ریشه‌ای است که بر «گذشتن و روان شدن و حرکت کردن» دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۳۸۹: ۱۲۰/۳). این

سیره به معنای سبک، در وجه رفتاری است و آن در واقع، روش خاص عمل و موضع گیری و حرکت در امور مختلف است؛ همان طور که کلمه استیل به معنای ستون و نیز سبک و معنای ذکر شده برای آن، نوعی صلابت و استواری را افاده می کند، در مفهوم سیره نیز این استواری و صلابت نهفته است. باین تعبیر در مفهوم سیره، ثبات حالت و هیأت و روش مستتر است و این، آن چیزی است که یافتنش در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مهم و ارزشمند است.

### مفهوم سیره و سیره شناسی

با توجه به آن چه ذکر شد، مفهوم حقیقی سیره، نوع رفتار و سبک رفتار و طریقه خاص زندگی است که لازمه آن، داشتن اصول در زندگی است؛ یعنی انسان در زندگی خویش، در حوزه های مختلف، تابع اصول عملی کلی، مشخص و ثابت باشد و سیره شناسی در واقع، شناخت اصول و روشهایی است که یک شخص صاحب اصول و روش در رفتار و کردار خود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین انسانی بوده و اهل بیت و اوصیای آن حضرت علیهم السلام نیز چنین بوده اند.

### وحدت سیره معصومان علیهم السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیره ای را بنیان گذاشت که دیگر معصومان نیز همان را ادامه دادند؛ بدین معنا که اصول کلی زندگی همه معصومان یکسان است و تغییر شرایط، آن اصول کلی را دگرگون نکرده است، بلکه صورتها و جزئیات و راه حلها به تبع تغییر شرایط، تغییر یافته است. این امر، زمینه ای را فراهم می کند که بتوان اصول سیره نبوی را در یک دوره تاریخی ۲۳ ساله (۲۳ سال عصر رسالت و ۲۵۰ سال عصر امامت و خلافت) بررسی کرد. این سیره واحد در وجود مختلف زندگی معصومان علیهم السلام، یعنی زندگی فردی، اجتماعی، مدیریتی، خانوادگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی هویداست؛ برای مثال، اصول زیر در سیره نبوی و زندگی همه معصومان علیهم السلام دیده می شود؛ به گونه ای که هیچ یک از آنان از این اصول تخطی ننموده اند و می توان آنها را به عنوان اصولی حاکم بر زندگی خویش پذیرفته، پیروی از آنها را پیروی از سیره نبوی دانست. این اصول عبارت است از:

ریشه همچنین به معنای «رفتن و سیر کردن در زمین» است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۵۲/۵). «سیره» بر وزن «فعله» بیان کننده نوع حرکت و رفتار انسان است. این واژه در این وزن بر هیأت و حالت انجام شدن فعل دلالت می کند؛ همچون «جلسه» یعنی نشستن و «جلسه» یعنی نوع نشستن، و «سیره» نوع حرکت است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۴۵۴/۶)؛ از این رو، اهل لغت در توضیح آن گفته اند؛ «سیره» طریقه، هیأت و حالت است (ابن فارس، ۱۳۸۹: ۱۲۱۳). همچنین آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده اند؛ از «سیره فرد» به صحیفه اعمال او و کیفیت سلوکش در میان مردم تعبیر کرده اند (مخضری، بی تا: ۲۲۶). راغب اصفهانی درباره این واژه می نویسد:

سیره حالت و روشی است که انسان و غیر انسان، نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد، خواه غریزی باشد و خواه اکتسابی؛ چنان که گفته می شود: فلانی سیره و روشی نیکو یا سیره و روشی زشت دارد و آیه «سنعمدها سیرتها الأولى» (طه/۳۱) یعنی آن حالتی که بر آن بوده که همان خوب بودن آن است (بی تا: ۳۲۷).

بنابراین، سیره بیان کننده حالت های رفتاری برقرار و استوار است و مفهومی نزدیک به مفهوم سبک رفتار دارد.

### معنا و مفهوم واژه سبک

«سبک» در لغت به معنای «گذاختن و ریختن زر و نقره» است و سبیکه، پاره نقره گذاخته را گویند، ولی ادبای اخیر، سبک را مجازاً به معنای طرزی خاص از نظم و نثر استعمال کرده اند و تقریباً آن را در برابر «استیل» اروپاییان قرار داده اند؛ «استیل» در زبانهای اروپایی از لغت «استیلوس» یونانی به معنای «ستون» مأخوذ است و در عرف ادب، روش نگارشی است که به وسیله خواص ممتازه خویش، مشخص باشد. سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۵۵: ۴۰۳).

۱. اشاره به عصبانیت حضرت موسی علیه السلام است که خداوند فرموده است: «تفرس آن را به طبیعت و نهاد اولش برمی گردانیم».

۱. سیره فردی (اصل حفظ حدود الله، اصل کیفیت استخدام وسیله، اصل اعتدال و...) .
۲. سیره اجتماعی (اصل رفق و مدارا، اصل تکریم، اصل عدالت اجتماعی و...) .
۳. سیره مدیریتی (اصل شرح صدر، اصل رعایت اهلیت، اصل تفویض اختیار و مسئولیت خواهی و...) .

### استخراج اصول سیره

ریشه و اساس اصول سیره نبوی در قرآن کریم است. خدای سبحان که پیامبر اکرم ﷺ را نمونه نیکو برای پیروی معرفی کرده (احزاب/ ۲۱)، راه و رسم آن حضرت را نیز در حوزة‌های مختلف در بیانات مستقیم و غیر مستقیم به اجمال معرفی فرموده است.

در امتداد قرآن کریم، احادیث نبوی و ولوی و سپس رفتار و عملکرد پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای آن حضرت در کلیة زمینه‌های تاریخی، گنجینه استخراج سیره است. البته لازم است، منابع فرعی نیز دیده شود. از مجموع این مواد می توان اصول سیره را استخراج نمود. در این استخراج، تشکیل دادن خانواده- حدیث و خانواده رفتار و عملکرد و بلایش و گرایش آنها، مسیر دستیابی به اصول را هموار و ضریب اطمینان را به حد مطلوب می‌رساند.

### معنای اصطلاحی و پیشینه کاربرد اصطلاحی واژه سیره

«سیره» هنگامی که به عنوان یک پیشینه از مباحث تاریخی، موضوع بحث مورخان قرار گرفت، آن چیزی را که باید در بر می گرفت، شامل نشد. مورخان که در احوال پیامبر اسلام ﷺ کتاب نوشتند، عنوان تاریخ خود را «سیره النبی» گذاشتند و شاید نخستین رشته تاریخی که مورد توجه و نظر مسلمانان قرار گرفت، همین «علم السیره» باشد. محتمل است که آنان می‌خواستند سبک و رفتار یا رفتارشناسی پیامبر را بیان کنند، اما به صرف رفتار قناعت کرده‌اند (ر.ک: مطهری، بی تا: ۱۲-۱۳). آنان «سیره» را به معنای شرح وقایع زندگی رسول خدا ﷺ به کار بردند. حوادث پیش از بعثت، حین بعثت و حوادث پس از آن و جنگهای پیامبر (ابن هشام، بی تا: ۱۵۸) (مقدمه) **۷۱۱۵**

مارسدن چوتز در مقدمه محققانه خود بر کتاب مغازی واقدی باد آور شده است که تردیدی نیست که واژه «سیره» به معنی شرح وقایع زندگی پیامبر ﷺ به کار رفته است و این امر پیش از آنکه «ابن هشام» آن را در مورد کتاب خود به روایت «ابن اسحاق» به کار برد، استعمال می‌شده است؛ چنان که از خیر ابوالفرج اصفهانی در کتاب **الاعانی** به روشنی برمی آید که استعمال واژه «سیره» در مفهوم اصطلاحی آن (تاریخ زندگی پیامبر ﷺ)، در زمان محمد بن شهاب زهری (۵۸-۱۲۴ ق) معمول و متداول بوده است (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۹۱).

ابوالفرج اصفهانی از قول مدائنی ضمن اخبار خالد بن عبدالله قسری می نویسد: این شهاب می گفته است که خالد بن عبدالله قسری به من گفت: کتابی درباره انساب برایم بنویس. من کار را با نوشتن نسب مضر آغاز کردم و هنوز آن را به پایان نبرده بودم که گفت: این کار را قطع کن که خداوند بن و ریشه آنها را قطع کرده است و برای من سیره [شرح حال پیامبر ﷺ] را بنویس (۱۴۰۶: ۲۷۲).

بدین ترتیب، واژه «سیره» در مفهوم اصطلاحی آن، در قالب شرح احوال و تاریخ زندگی پیامبر ﷺ شکل گرفت و همچنان باقی ماند و به عنوان «رفتارشناسی» و «دانش‌شناسی» و «سبک‌شناسی» مورد عنایت جدی قرار نگرفت.

### سیره خانوادگی پیامبر اعظم ﷺ

خانواده محمل سیر دادن آدمی به سوی کمالات است و هیچ پایگاهی همچون خانواده ممکن نیست چنین نقش بسترسازی داشته باشد. انسان برای رشد و تعالی به آرامش روحی، جسمی و عاطفی نیاز دارد و این آرامش - آن گونه که باید - در خانواده تأمین می‌شود. «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکونوا إليها» (روم/ ۲۱) و از نشانه‌های او این است که از نوع خودتان، همسرانی برایتان آفرید تا به آنها آرام گیرید.

رفتارشناسی پیامبر اکرم ﷺ در خانواده و راه و رسم دیگر معصومان **الصلوات** در امتداد آن و اصولی که آنان بر اساسش در خانواده رفتار نموده‌اند راهنمایی مفید

و کلیدی در حوزه مباحث خانوادگی است. در اینجا به اصلی از این اصول به اجمال پرداخته می‌شود تا گوشه‌ای از جمال رفتار نبوی، خود را بنمایاند که آن رسول رحمت، بهترین رفتار خانوادگی را جلوه گر ساخته است، و خود فرموده است:

خیرکم خیرکم لأهله، وأنا خیرکم لأهلی (مقی هندی، ۱۴۰۹: ۳۷۱/۱۶) بهترین شما کسی است که با خانواده‌اش بهترین رفتار را داشته باشد، و من بهترین رفتار را با خانواده‌ام دارم.

### اصل مودت و رحمت

در سیره خانوادگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مودت و رحمت به عنوان یک اصل مطرح است. این اصل را می‌توان در این آیه دید: «... و جعل بینکم مودة و رحمة» (روم/۲۱)؛ و در میان شما مودت و رحمت نهاد.

### معنای مودت و رحمت

«مودت» از «وَدَّ» و به معنای «دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن» است (راغب اصفهانی، بی تا: ۵۱۶). و در واقع، مودت آن دوست‌داشتنی است که با اظهار علاقه و جلوه یافتن دوستی ملازم است، و مودت بر وزن «مفعله»، ثبات و دوام عمل و شدت و قوت تأثیر فعل را افاده می‌کند؛ و چنین دوست‌داشتنی در خانواده کلیدی است.

«رحمت» در لغت احسان و بخشش و افاضه به کسی است که استحقاق آن را دارد، و در روابط و مناسبات انسانی این امر به سبب رقت و رأفت و لطف و عطف و شفقت و دلسوزی حاصل می‌شود (ابن فارس، ۱۳۸۹: ۹۷۸/۲؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۱۹۱) و بی گمان این امر در خانواده ضروری و حیاتی‌بخش است.

### جایگاه و اهمیت مودت و رحمت

مودت و رحمت در روابط و مناسبات خانوادگی نقشی اساسی دارد و هر چه مودت و رحمت عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، زندگی خانوادگی از آرامش و لذت و توانایی و

۷۱۱۷

رشد بیشتر برخوردار خواهد بود؛ مودت و رحمتی معتدل، معقول، لطیف و انسانی، هر چه مودت و رحمت عمیق‌تر باشد، توان و تحمل افراد بیشتر می‌شود و هر چه گسترده‌تر باشد، رفتارها مناسب‌تر می‌گردد و هر چه انسانها در مراتب انسانی بالاتر و وجودشان لطیف‌تر شود، مودت و رحمتشان بیشتر می‌شود و گسترده‌تر جلوه می‌یابد؛ چنان که الگوهای کمال انسانی در این میدان نیز الگویی نام‌مانند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «من أخلاق الأنبياء حب النساء» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۲۰/۵؛ شیخ صدوق، بی تا: ۳۸۲/۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۳۰۳/۷)؛ دوست داشتن زن (همسر) از خلق و خوی پیامبران است.

هر چه انسانها در مراتب کمال بالا روند و به مدارج والاتری از ایمان برسند، مودت و رحمتشان نسبت به همسر و خانواده بیشتر جلوه می‌کند؛ چنان که در حدیث نبوی آمده است: «كلما ازداد العبد إيماناً ازداد حباً للنساء» (ابن اسنن، بی تا: ۹۰؛ نسیمی مغربی، ۱۳۸۹: ۱۹۲/۲)؛ هر گاه ایمان بنده‌ای زیاد شود، محبتش نسبت به زن (همسر) زیاد می‌شود.

همان طور که عشق به کمالات حقیقی، منشأ رشد و تعالی و بارش رحمت الهی است، همسر دوستی نیز چنین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیانی لطیف و رحمانی فرموده است: «إن الرجل إذا نظر إلى امرأته، ونظرت إليه، نظر الله تعالى إليهما نظرة رحمة» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۶۶۳/۳)؛ وقتی مرد به همسر خود [با محبت] می‌نگرد و زن به شوهر خود [با مهر] می‌نگرد، خداوند به دیده رحمت به آنان می‌نگرد.

خانواده پایگاه کمالات انسانی است و اساس این امر، مودت و محبت در خانواده است؛ چه اینکه زندگی بدون مودت و رحمت، ویران‌کننده‌ای بیش نیست که از آن روح و ریختن تزیید و صلاح و سامانی برنخیزد.

۱. در روایات متعدد نسبت به دوست‌دشتهای برخاسته از تعلقات بست و مجتهدای افراطی هشدار داده و از آنها برهیز داده شده است؛ چنان که در حدیث نبوی آمده است: «إن أول ما غصني الله عز وجل به ست: حب الدنيا، وحب الرئاسة، وحب الطعام، وحب النوم، وحب الراحة، وحب النساء» (برقی، ۱۳۷۰: ۲۹۵/۱؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۲۸۹/۲)؛ نخستین چیزهایی که بدان خداوند عصیان و نافرمانی شود، شش چیز است: دوستی دنیا، دوستی سیاست، دوستی خوراک، دوستی خواب، دوستی آسایش و دوستی زن.

۷۱۱۸

جلوه‌های مودت و رحمت در سیره پیامبر اکرم ﷺ  
 مودت و رحمت چون چشمهٔ جوشان زلالی است که سیرابی زندگی از آن است  
 و این چشمه، مجاری مختلف می‌یابد و در هر مجرا بارور کننده و رشددهنده  
 است. قرار گرفتن دو فرد با دو شخصیت و دو تربیت در کنار یکدیگر برای  
 زندگی مشترک، به جوشش پیوستهٔ مودت و رحمت نیازمند است و این،  
 زمانی کارساز و مفید است که در ظروف مختلف جاری گردد و در صورت‌های  
 گوناگون خود را نشان دهد؛ بر زبان و گفتار، در سلوک و رفتار و در کنشها  
 و واکنشها.

پیامبر اکرم ﷺ تأکید کرده است که مودت و رحمت در خانواده به زبان آید و  
 در عمل ظهور یابد و در رفتار، خود را نشان دهد: «قول الرجل للمرأة أتی أحبک  
 لا یدهب من قلبها أبدا» (کلینی، ۱۳۸۸: ۵/۵۶۹) سخن مرد به همسر خود که دوست  
 دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود».

بهترین زندگی خانوادگی، زندگی با عشق و علاقه است و پیشوایان دین سفارش  
 کرده‌اند که روابط زن و مرد در خانواده، روابط عاشقانه و بر لطافت باشد. از امام  
 صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیر نساءکم... أظفهن بأزواجهن و  
 أرحمهن بأولادهن» (همان، ۳۲۶) بهترین زنان شما... با محبت‌ترینشان نسبت به  
 شوهرانشان و مهربان‌ترین مادران نسبت به فرزندانشان هستند».

عشق و علاقه میان زن و مرد، آنان را به روابطی گرم و صمیمی و توأم با عفت و  
 پاکدامنی سوق می‌دهد. پیام آور خوبیها و زیباییها، حضرت ختمی مرتبت فرموده  
 است: «خیر نساءکم العقیقة العلیمة، العقیقة فی فرجها، العلیمة علی زوجها (ابن‌المنعم،  
 بی‌تا: ۹۲؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۳۳۷/۵؛ تمیمی مزیسی، ۱۳۸۹: ۱۷۷/۲) بهترین زنان شما زن عقیقه  
 راغب است که در عین حفظ ناموس خود، نسبت به همسرش رغبت و تمایل داشته  
 باشد».

چون بنای زندگی بر دوستی و عشق‌ورزی استوار شود، تنگی نظری و  
 خودخواهی رنگ می‌بازد و روابطی لطیف و انسانی در زندگی مشترک حاکم  
 می‌گردد و در همه چیز خود را نشان می‌دهد. پیامبر اکرم ﷺ انسان مؤمن را در

۷۱۹

چنین فضایی این گونه معرفی کرده است: «المؤمن یا کل بشهوة أهله، و المنافق  
 یا کل أهله بشهوته» (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۷۴) مؤمن به میل خانواده‌اش غذا می‌خورد و منافق  
 خانواده‌اش به میل او غذا می‌خورد».

مودت و رحمت در خانواده اقتضائاتی دارد؛ جوشش سرشار محبت و ریزش  
 بر بار رحمت در نگاه، بیان، رفتار، کنشها و واکنشها و پرمیز از خودخواهیها و  
 تمام‌خواهیها. از این رو، گفته شده است: «لا یجوز للرجل أن یخص نفسه بشيء  
 من المأکول دون عیاله» (قمی، ۱۳۸۷: ۳۸۷/۱) چیزی از خوردنی را بدون خانواده‌اش ویژهٔ خود نگرداند».

### محبت و رحمت به کودکان

در سیره پیامبر اکرم ﷺ و اوصیای آن حضرت بر محبت و رحمت به کودکان  
 تأکید بسیار شده است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 فرموده است:

أحبوا الصبیان و ارحمهم و إذا وعدتموهم ففوا لهم لا یبدون (البیرونی) إلا  
 أنکم تزفونهم (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۹/۶؛ شیخ صدوق، بی‌تا: ۴۸۳/۳) کودکان را دوست  
 بدارید و به ایشان مهر ورزید و چون به آنان وعده‌ای دادید، به وعدهٔ خود عمل  
 کنید که آنان شما را روزی رسان خود می‌دانند».

هر چند انسان در تمام مراحل دوران زندگی خود نیازمند محبت و رحمت است،  
 اما در دوران کودکی این نیاز شدیدتر است؛ از این رو، پیشوایان دین بدان توجه  
 داده‌اند، همان طور که در حدیث امام صادق علیه السلام آمده است: «إن الله لیرحم العبد  
 لشدة حبه لولده» (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۰/۶؛ شیخ صدوق، بی‌تا: ۴۸۲/۳) بی‌گمان خداوند به سبب  
 شدت محبت انسان به فرزندش بدو رحمت می‌کند».

۷۱۲۰

هیچ چیز در زندگی کودک جایگزین محبت خالصانه با جلوه‌های گوناگون آن  
 نیست و هیچ چیز مانند آن، بر جان، روح و جسم کودک تأثیر مثبت ندارد و  
 زمینه‌ساز کسب کمال نیست. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیثی را نقل کرده  
 است که به خوبی بیان‌کنندهٔ این مهم است: «من قبل ولده کتب الله عز و جل له

**مودت و رحمت پیامبر اکرم ﷺ و اوصیایش به خانواده پیامبر اکرم ﷺ** که در مراتب کمال انسانی به بالاترین مرتبه دست یافته بوده، در مودت و رحمت به خانواده نیز در اعلا درجه، زیست نمود؛ چنان که می فرمود:

حُبِّ اِلٰهِي مِنْ الدُّنْيَا النَّسَاءِ وَ الطَّيِّبِ وَ قَرَّةِ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ (بخش صدوق، بی تا: ۱۶۵۸)؛  
از دنیا زن [همسر] و بوی خوش محبوب من قرار داده شده و نماز، روشنی چشم من قرار داده شده است.

رسول خدا ﷺ به همسر دوستی چنان لطیف نگریسته که آن را در کنار بوی خوش مطرح کرده است. و در حقیقت، بوی خوش زندگی محصول این عشق و دوستی است.

پیامبر اکرم ﷺ کانون محبت و رحمت در خانواده بود؛ چنان که انس بن مالک درباره این شأن حضرت گفته است: «هیچ کس را ندیدم که از رسول خدا ﷺ نسبت به خانواده، مهربان تر باشد» (ابن سعد، ۱۴۰۵: ۱۳۶۸؛ ابویلی موصلی، ۱۴۱۰: ۲۰۵۷).  
پیشوایان دین، همه، در عرصه محبت و رحمت پیشتازی کرده اند؛ چنان که از زبان پیامبر اکرم ﷺ، این گونه توصیف شده اند:

اَعْلَيْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ سِمَةً لَمْ يَعْطَاهُنَّ اِلَّا مَطَاهُنَّ [بمطاهها] احد بعدنا... و المحبة في النساء (ابن اشنه، ۱۳۶۰: ۱۸۲؛ راوندی، بی تا: ۱۵)؛ بر ما اهل بیت هفت چیز داده شده است که به هیچ کس پیش و پس از ما چنین داده نشده است، و آنها عبارت است از: ... و محبت به همسر.

این محبت و رحمت با همه جلوه هایش در رفتار پیامبر اکرم ﷺ نمود داشت؛ به گونه ای که آن حضرت هرگز تندی و عیب جوئی نمود (طبرسی، ۱۳۹۲: ۱۶؛ سمهودی، ۱۴۰۴: ۲۶۶۱).

رسول خدا ﷺ که جلوه تام عشق و دوستی الهی بود، در خانواده نیز سراسر عشق و دوستی به همه بود، سیره نویسان درباره آن حضرت چنین نقل کرده اند: «سیره پیامبر چنین بود که هر روز صبح بر سر فرزندان خود و فرزندان فرزندان خود، دست محبت می کشید» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۹).

برترین نمونه های تربیت نبوی، یعنی علی رضی الله عنه و فاطمه رضی الله عنها، عاشقانه می زیستند.

حسنة، و من فرحه فرحه الله يوم القيامة (کلینی، ۱۳۸۸: ۴۹/۶)؛ هر که فرزندش را بیوسد، خدا ﷻ در نامه عملش حسنه ای ثبت کند و هر که فرزندش را شاد کند، خداوند او را در روز قیامت شاد نماید.

پیامبر اکرم ﷺ چنان بر روابط محبت آمیز و ابراز محبت های راستین تأکید داشت که می فرمود: «اکثروا من قبیلة اولادکم فان لکم بکل قبیلة درجه فی الجنة» (ابن قتال نیسابوری، ۱۴۰۶: ۴۰۴)؛ فرزندان خود را بسیار بیوسید که با هر بیوسیدن برایتان در بهشت، مقام و مرتبتی فراهم می شود.

در نگاه رسول خدا ﷺ آنان که کودکان را از محبت خود محروم می سازند، از حقیقت انسانی بی بهره اند و خود را از کمال محروم نموده اند. از امام صادق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود:

جاه رجل ابي النبي ﷺ فقال: ما قلت صيًّا قط. فلما ولي، قال رسول الله ﷺ: هذا رجل عندي آتة من اهل النار (کلینی، ۱۳۷۸: ۵۰/۶)؛ مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من هرگز کودکی را نبوسیده ام. چون بازگشت، رسول خدا ﷺ فرمود: این شخص از نظر من اهل آتش جهنم است.

همچنین نقل کرده اند که رسول خدا ﷺ حسن و حسین رضی الله عنهما را بوسید. اقرع بن حابس که شاهد مهر و محبت پیامبر ﷺ به فرزندانش بود، گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آنان را نبوسیده ام. پس رسول خدا ﷺ فرمود: «من لا یرحم لایرحم» (ابن قتال نیسابوری، ۱۴۰۶: ۴۰۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۳۸۳)؛ کسی که رحمت و محبت نکند، مورد رحمت و محبت قرار نمی گیرد.

هیچ چیز مانند محبت صادقانه تأثیر گذار نیست، اما این محبت باید معتدل باشد و به افراط و تفریط نگراید؛ چنان که امام باقر رضی الله عنه فرموده است:  
شر الآباء من دعاه البرأی الا فرط؛ و شر الأبناء من دعاه التقصیر الی العقوق (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۳۰-۳۳۱)؛ بدترین پدران کسی است که نیکی او را به زیاده روی [در محبت] وادارد و بدترین فرزندان کسی است که کوناهمی کردن [در انجام دادن وظایف] او را به نافرمانی و ناراضی کردن [والدین] بکشد.

۷۱۲

کمبود محبت و زیاده روی در ابراز محبت، هر دو آسیب زا و زیانبار است.

- این ادیس حلی، محمد بن منصور، السرائر الحاروی لتحریر النفاوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ابن اشعث کوفی، ابوعلی محمد، الاضحیات (الجغریات)، تهران، مکتبه نبوی، بی تا.
- ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت للطباعة والنشر، ۱۴۰۵ ق.
- همو، ترجمه الامام الحسن و نقله، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، بیروت، مؤسسه آل البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۶ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، مصر، بی تا، ۱۳۸۹ ق.
- ابن قتال نسابوری، روضة الواعظین، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
- ابن فهد حلی، احمد، عده الداعی و نجاح السامی، تصحیح و تعلیق احمد موحدی قمی، بیروت، دار المرتضی، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن هشام، عبدالملک، سیره النبی، مقدمه محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن محمد، الاغانی، شرحه و کتب هوامشه عبدالعلی مهنا و سبیر صابر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق.
- همو، مقاتل الطالیین، تحقیق سیداحمد صفی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
- ابویعلی موصلی، احمد بن علی، مسند ابویعلی الموصلی، حقیقه و خیرج احادیثه حسین سلیم اسد، دمشق، دار الثقافه العربیه، ۱۴۱۰ ق.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد، المناقب، تهران، مکتبه نبوی الحدیده، بی تا.
- ارلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الانتمه، تبریز، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به اهتمام جمال الدین الحسنی المحدث، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.
- بهار، محمد تقی، سبکشناسی، تهران، سازمان کتابهای پرستو، ۱۳۵۵ ش.
- نمیمی مغربی، نعمان بن محمد بن منصور، دعائم الاسلام و ذکر الملار و القضا یا و الاحکام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره، دار المعارف، ۱۳۸۹ ق.
- جوززی، عبدالعلی بن جمعه عروسی، تفسیر نور الظلمین، تصحیح و تعلیق هاشم رسولی محلاتی، قم، دار الکتب العلمیه، بی تا.
- داغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- رواندای، فضل الله، نوادر الزوائد، بیروت، مؤسسه البلاغ، بی تا.
- زرخشوری، جلاله محمود بن عمر، اساس البلاغه، تحقیق عبدالرحیم محمود، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
- سبط ابن جوزی، یوسف بن فرغلی، تذکره القضاة، بیروت، مؤسسه اهل البیت، ۱۴۰۱ ق.
- سهیلوی، علی بن احمد، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

۷۱۲۴

روایت شده است که امام علی علیه السلام می فرمود:  
 ولقد كنت أنظر إليها فتنتجلى عني الغموم والأحزان ينظرتني إليها (خوارزمی، بی تا: ۲۷۵۶، ارلی، ۱۳۸۱: ۴۳۶۲۸) زمانی که به همسرم فاطمه نگاه می کردم، با نظر به او اندوهها و حزنها از من رخت برمی بست.

امام حسین علیه السلام نیز در تغزلی لطیف، عشق و دوستی خود را به همسر و فرزند به زیبایی بیان کرده است:  
 لعمرك إنني لأحبُّ داراً تكون بها سكينه والربابُ  
 أحبُّهما وأبدل جِلِّي مالي وليس لعاتب عندي عتاب  
 فليست لهم وإن عابوا مُضْمِياً حياتي أو يُغيَّبني الترابُ.<sup>۱</sup>

۷۱۲۴

- شيخ صدوق، محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمي، الخصال، تهران، مكتبة الصدوق، ١٣٨٩ ق.
- همو، من لا يحضره الفقيه، تصحيح علي اكبر غفاري، چاپ دوم، قم، جامعة مدرسين، بي تا.
- شيخ طوسي، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٩٠ ق.
- طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٣٩٢ ق.
- قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، تصحيح و تعليق سيدطيب موسوي جزائري، قم، مؤسسة دار الكتاب للطباعة و النشر، ١٣٨٧ ق.
- كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تصحيح علي اكبر غفاري، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ ق.
- متقي هندي، كنز العمال، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٩ ق.
- مطهري، مرتضى، سيرة نبوي، تهران، دفتر انتشارات اسلامي، بي تا.
- واقدي، محمد بن عمر، المغازي، مقدمة مارسدن جونز، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ١٤٠٩ ق.
- يعقوبي، احمد بن ابي يعقوب بن جعفر بن وهب ابن واضح، تاريخ يعقوبي، بيروت، دار صادر، بي تا.